ISSN: 2717-3216 Volume 11, Issue 2 (2024), 87-102 https://www.ijfpjournal.ir/

Iranian Journal of Family Psychology

Research Paper

10.22034/ijfp.2025.2047124.1372

Parental Psychological Control and Adolescent Social Problems: The Mediating Role of Emotion Regulation

Fatemeh Alidoosti*[1] Sara Naderi[2]

1. Assistant Professor, Department of Social Sciences, Psychology and Counseling, Khayyam University, Mashhad, Iran.
2. M.A. in General Psychology, Khayyam University, Mashhad, Iran.

Article Info.

Received: 18 August 2024

Revised: 26 September 2024

Accepted: 5 December 2024

Keywords:

Psychological control of parents, social problems of adolescents, emotion regulation.

Abstract

***Abstract*:**

The present study investigated the relationship between parental psychological control and adolescents' social problems, with the mediating role of emotion regulation. This research employed a correlational method based on structural equation modeling. The statistical population consisted of adolescents in the age range of 13 to 18 residing in Mashhad. Among them, 215 individuals were selected through convenience sampling method. The participants filled out the following questionnaires: Soensen's Parental Psychological Control Questionnaire (2010), Achenbach's Youth Problem Behavior Scale (1991), and Gratz and Roemer's Emotion Regulation Difficulty Scale (2004). The data were analyzed using descriptive statistics, Pearson's correlation coefficient, and structural equation modeling through SPSS and LISREL software. According to the results of the model test, the direct effect of the exogenous variable, parental psychological control, on the mediating variable, emotion regulation difficulties, was significant ($t = 4.69$, $\beta = 0.39$). The direct effect of the mediating variable, emotion regulation difficulties, on the endogenous variable, social problems, was also significant ($t = 6.05$, $\beta = 0.53$). Additionally, the direct effect of the exogenous variable, parental psychological control, on the endogenous variable, social problems, was significant ($t = 4.37$, $\beta = 0.36$). Moreover, the indirect effect of parental psychological control on social problems through emotion regulation difficulties was significant. This finding indicates that emotion regulation difficulties play a significant mediating role in the relationship between these two variables. In conclusion, adolescents who experience high levels of psychological control from their parents face difficulties in emotion regulation (e.g., a lack of emotional clarity and difficulties with controlling impulsive behaviors). These difficulties in emotion regulation may lead to greater social problems.

*Corresponding author
Email: f.alidoosti@khayyam.ac.ir

How to Cite:

Alidoosti, F., Naderi, S. (2024). Parental psychological control and adolescent social problems: the mediating role of emotion regulation . *Iranian Journal of Family Psychology. 11*(2), 87-102.

ISSN: 2717-3216 https://www.ijfpjournal.ir/

روانشناسی خانواده
دوره یازدهم، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۳



مقاله پژوهشی

کنترل روان‌شناختی والدین و مشکلات اجتماعی نوجوانان: نقش واسطه‌ای تنظیم هیجان

فاطمه علی‌دوستی[1*] سارا نادری[2]

۱. استادیار گروه علوم اجتماعی، روان‌شناسی و مشاوره، دانشگاه خیام، مشهد، ایران.
۲. کارشناس ارشد روان‌شناسی عمومی، دانشگاه خیام، مشهد، ایران.

اطلاعات مقاله

دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۲۸

بازنگری: ۱۴۰۳/۰۷/۰۵

پذیرش: ۱۴۰۳/۰۹/۱۵

کلیدواژه‌ها:

کنترل روان‌شناختی والدین، مشکلات اجتماعی نوجوانان، تنظیم هیجان

چکیده

چکیده

مطالعه حاضر با هدف بررسی رابطه کنترل روان‌شناختی والدین و مشکلات اجتماعی نوجوانان با نقش واسطه‌ای تنظیم هیجان صورت گرفته است. روش این پژوهش، همبستگی و از نوع معادلات ساختاری و جامعه آماری آن شامل نوجوانان ۱۳ تا ۱۸ سال ساکن شهر مشهد در سال ۱۴۰۲ می‌باشد؛ که ۲۱۵ نفر از آن‌ها با شیوه نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند و پرسش‌نامه‌های کنترل روان‌شناختی وابسته مدار و پیشرفت مدار **(DAPCS)**، مقیاس رفتار مشکل‌ساز نوجوان **(YSR)** و فرم کوتاه شده مقیاس دشواری در تنظیم هیجان **(DERS)** را تکمیل نمودند. داده‌های پژوهش حاضر با استفاده از شاخص‌های آمار توصیفی، ضریب همبستگی پیرسون و روش مدل‌سازی معادلات ساختاری و به‌وسیله نرم‌افزارهای spss و لیزرل، مورد تجزیه‌وتحلیل قرار گرفتند. طبق نتایج به‌دست‌آمده از آزمون مدل، اثر مستقیم متغیر برون‌زا یعنی کنترل روان‌شناختی والدین بر متغیر میانجی یعنی دشواری در تنظیم هیجان معنی‌دار بود (β =۰/۳۹، t= ۴/۶۹). اثر مستقیم متغیر میانجی یعنی دشواری در تنظیم هیجان نیز بر متغیر درون‌زا یعنی مشکلات اجتماعی معنی‌دار بود (β =۰/۵۳، t= ۶/۰۵). اثر مستقیم متغیر برون‌زا یعنی کنترل روان‌شناختی والدین بر متغیر درون‌زا یعنی مشکلات اجتماعی نیز معنی‌دار به دست آمد (β =۰/۳۶، t=۴/۳۷). به‌علاوه، میزان اثر غیرمستقیم کنترل روان‌شناختی والدین بر مشکلات اجتماعی نیز معنادار به دست آمد که نشان می‌دهد دشواری در تنظیم هیجان نقش میانجی معناداری را در رابطه این دو متغیر ایفا کرده است. بر این اساس می‌توان نتیجه گرفت، نوجوانانی که سطوح بالای کنترل روان‌شناختی را از سوی والدین خود تجربه می‌کنند، در تنظیم هیجانات خود با دشواری‌هایی مانند کمبود یا فقدان وضوح هیجانی و دشواری در کنترل رفتار تکانشی مواجه هستند که این بد تنظیمی هیجانی می‌تواند آن‌ها را به سمت تجربه مشکلات اجتماعی بیشتر سوق دهد.

***نویسنده مسئول:**

پست الکترونیکی: f.alidoosti@khayyam.ac.ir

استناد به این مقاله:

علی دوستی، فاطمه، نادری، سارا (۱۴۰۳). کنترل روان‌شناختی والدین و مشکلات اجتماعی نوجوانان: نقش واسطه‌ای تنظیم هیجان . *روانشناسی خانواده*، *۱۱*(۲)، ۸۷-۱۰۲.

مقدمه

نوجوانی مرحله کلیدی رشد است که طی آن فرد تغییراتی مانند تغییر در سطح هورمون‌ها ناشی از بلوغ، رشد مداوم مغز و نیز شکل‌گیری استقلال فردی را تجربه می‌کند. در این دوره، رشد جسمانی سریع و رشد روانی نسبتاً کند پیش می‌رود و این عدم تعادل به‌راحتی می‌تواند منجر به بسیاری از تعارضات و تضادهای روان‌شناختی شود (Dahl, 2004)، به‌طوری‌که بسیاری از افراد در سن نوجوانی از افسردگی، فوبیای اجتماعی و خستگی از مدرسه رنج می‌برند (Doornwaard et al., 2012; Jessor et al., 2003). در این دوره، نوجوانان ممکن است به رفتارهای مشکل‌ساز دست بزنند که به مشکلات فکری، مشکلات توجه و مشکلات اجتماعی طبقه‌بندی می‌شوند (Deng et al., 2001). اصطلاح مشکلات اجتماعی[1] به رفتارهای غیرعادی اطلاق می‌شود که مانع سازگاری اجتماعی افراد شده و زمانی اتفاق می‌افتد که افراد هنجارهای اجتماعی را زیر پا می‌گذارند، از قوانین رفتاری تبعیت نمی‌کنند و یا نمی‌توانند به‌خوبی با زندگی اجتماعی سازگار شوند؛ بنابراین، این رفتارها ممکن است اثراتی همچون آسیب به جامعه یا آسیب به خود فرد را به دنبال داشته باشد (Lin et al., 2004) به‌طوری‌که این نوجوانان، عزت‌نفس پایینی دارند و فاقد مهارت‌های اجتماعی لازم هستند و به دلیل نگرانی از افشای کاستی‌های خود و ارزیابی منفی توسط دیگران، اغلب اضطرابی غیرضروری در مورد موقعیت‌های اجتماعی و ارتباطات بین فردی تجربه می‌کنند (Kerry & Elizabeth, 2020).

گاهی اوقات افراد در برابر چالش‌ها و مشکلات انعطاف‌پذیری نشان می‌دهند و از طریق برنامه‌های حمایت اجتماعی و روابط مثبت با همسالان می‌توانند تأثیر این مشکلات اجتماعی را کم کنند. گاهی هم این اتفاق رخ نداده و اثرات مختلفی بر زندگی آن‌ها خواهد داشت، به‌عنوان نمونه، نوجوانانی که دارای مشکلات اجتماعی هستند اغلب از احساس شایستگی پایین‌تر و ارتباطات کم‌تر در مدرسه و با دیگران (ازجمله همسالان و معلمان) رنج می‌برند (Lansford et al., 2016). همچنین این افراد عقیده دارند عدم ارضای نیازهای روان‌شناختی است که باعث بروز و ظهور این مشکلات می‌شود (Olivier et al., 2020). از جمله مشکلات رایج در دوران نوجوانی می‌توان به سوءمصرف مواد (Hsiung et al., 2022)، اضطراب، افسردگی و احساس ناامیدی اشاره نمود که اغلب توسط پویایی خانواده و روابط با همسالان تشدید می‌شود (Wijaya & Kusmawati, 2023).

به بیانی دیگر می‌توان گفت شکل‌گیری مشکلات اجتماعی تحت تأثیر عوامل متعددی قرار دارد. نظریه رفتار مشکل‌ساز که توسط Jessor (2001) ارائه‌شده است، تا حدی فرایند پیچیده شکل‌گیری آن را توضیح داده (Jessor, 2001; Kerry & Elizabeth, 2020) و عوامل مؤثر بر آن را به سیستم‌های شخصیتی (نگرش، ارزش‌ها، شخصیت و غیره) و موقعیتی (مدرسه، خانواده، همسالان و غیره) تقسیم می‌کند. این نظریه نشان می‌دهد عوامل شخصیتی مانند هیجانات فردی و نیز عوامل خانوادگی مانند چند فرزندی بودن خانواده و کنترل روان‌شناختی والدین می‌تواند بر مشکلات اجتماعی نوجوانان اثرگذار باشد (Jessor et al., 2003; Zhang & Dong, 2011).

کنترل روان‌شناختی والدین[2] به کنترل رشد روان‌شناختی و هیجانی فرزندان با القای احساس گناه، دریغ کردن عشق و محبت و شرمسار کردن آنان توسط والدین اشاره دارد تا به‌وسیله‌ی آن فرزندان را وادار کنند به روش مدنظر آنان تفکر و عمل نمایند (Yu et al., 2015). این رفتار والدین ممکن است استقلال عاطفی و روانی نوجوانان را از طریق ابزارهای کلامی یا غیرکلامی در

1 Social Problems
2 Parental Psychological Control

فرآیند فرزند پروری، نقض کند (Barber, 1996; Symeou & Georgiou, 2017). همچنین، سطوح بالاتر آن با سطوح پایین‌تر اعتماد و گرایش کمتر فرزندان به برقراری ارتباط با والدین مرتبط است که به‌نوبه‌ی خود بر تعامل آنان با دیگران تأثیر دارد، خطر رفتار پرخاشگرانه با دیگران را افزایش می‌دهد و بدین ترتیب، می‌تواند منجر به بروز مشکلات اجتماعی شود (Shek, 2006).

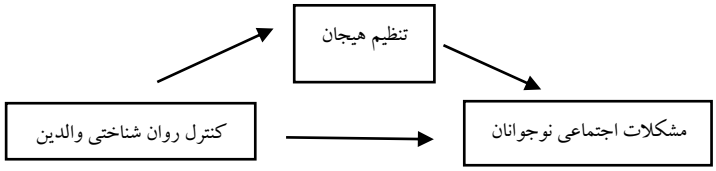
با توجه به مطالب بیان‌شده، بروز مشکلات اجتماعی در نوجوانان می‌تواند تحت تأثیر عوامل متعددی مانند کنترل روان‌شناختی والدین قرار داشته باشد. در این زمینه، کنترل روان‌شناختی والدین ممکن است با اثر بر متغیرهای دیگری نیز در بروز مشکلات اجتماعی نوجوانان ایفای نقش کند که از آن میان می‌توان به تنظیم هیجان[1] اشاره نمود. در این راستا، پژوهش‌های پیشین نشان داده‌اند کنترل روان‌شناختی والدین، به طور منفی عملکرد هیجانی نوجوانان (Cui et al., 2014) و نیز سطوح پایین‌تری از تنظیم هیجان را پیش‌بینی می‌کند (Goger et al., 2020; Gong & Wang, 2021).

تنظیم هیجان، به فرایندهای درونی و بیرونی مربوط به نظارت، ارزیابی و تعدیل واکنش‌های هیجانی به‌منظور دستیابی به اهداف فرد اشاره دارد (Thompson, 1994). این تعریف از تنظیم هیجان بر این ایده بنا شده است که هیجانات دارای عملکردی هستند، اطلاعاتی در مورد محیط به ما می‌دهند و رفتارهایی که سازگاری با خواسته‌های موقعیتی را تسهیل می‌کنند را برمی‌انگیزند (Izard & Ackerman, 2000). در مقابل، مشکلات در آگاهی، درک یا تعدیل هیجانات، ممکن است زمینه‌ساز اختلال در سازگاری و طیف وسیعی از پیامدهای منفی شود. نظریه‌های مختلفی جهت بررسی راهبردهای تنظیم هیجان مطرح‌شده‌اند. به‌عنوان‌مثال، در یکی از این نظریه‌ها راهبردهای تنظیم هیجان به دو دسته کلی تقسیم‌شده‌اند: راهبردهای مثبت یا راهبردهایی سازگار در مقابله با رویدادهای استرس‌زا شامل راهبردهایی مانند تمرکز مجدد برای برنامه‌ریزی، تمرکز مجدد مثبت و ارزیابی مجدد مثبت هستند و راهبردهای منفی یا راهبردهایی ناسازگار در مقابله با رویدادهای استرس‌زا که شامل راهبردهایی مانند نشخوار فکری، سرزنش خود و فاجعه‌آمیز پنداری می‌باشند (Lutz et al., 2018; Vasconcelos et al., 2020). یکی دیگر از نظریه‌هایی که در آن بر عملکرد هیجانات تأکید شده است، توسط Gratz and Roemer (2004) مطرح‌شده است. آن‌ها شیوه‌های انطباقی پاسخ به پریشانی هیجانی را شامل این موارد می‌دانند: الف) آگاهی، درک و پذیرش هیجان‌ها، ب) توانایی کنترل رفتارها هنگام تجربه هیجانات منفی، ج) استفاده انعطاف‌پذیر از راهبردهای مناسب موقعیت برای تعدیل شدت و/یا مدت پاسخ‌های هیجانی به‌جای حذف کامل آن‌ها و د) تمایل به تجربه هیجانات منفی، به‌عنوان بخشی از فعالیت‌های معنادار زندگی (Gratz and Roemer, 2004; Gratz and Tul, 2010). بررسی‌ها نشان می‌دهد که هرگونه مشکل در تنظیم هیجان ممکن است منجر به سوء رفتار اجتماعی یا مشکلات اجتماعی شود. به‌گونه‌ای که نتایج مطالعات انجام شده بر روی تنظیم هیجان نوجوانان و رشد اجتماعی آن‌ها نشان داده است که نوجوانان با توانایی ضعیف تنظیم هیجانی فاقد مهارت‌های اجتماعی هستند و ممکن است رفتارهای مشکل‌ساز بیشتری هم نشان دهند (Eisenberg et al., 1997; Safdar & Khan, 2019). از سوی دیگر در دوران نوجوانی ممکن است تعارضات و تضادهای روان‌شناختی و مشکلات اجتماعی متعددی به وجود آید، که اغلب بر هیجانات نوجوانان تأثیر می‌گذارد و ازاین‌رو، نیاز افراد به تنظیم مؤثر هیجان افزایش می‌یابد (Dahl, 2004). بر این اساس، سطح

1 Emotion Regulation

تنظیم هیجان می‌تواند سطح تعامل بین فردی، رفتار مشکل‌ساز و وضعیت سلامت روانی نوجوان را تعیین کند (Doornwaard et al., 2012; Jessor et al., 2003) و تا حدودی پیش‌بینی‌کننده‌ی مشکلات اجتماعی باشد. در این راستا، نتایج پژوهش Jin et al. (2013) نشان می‌دهد نوجوانانی که تنظیم هیجان مثبت را اتخاذ می‌کنند مشکلات اجتماعی کمتری تجربه می‌کنند.

با وجود آنچه گفته شد، نتایج حاصل از مطالعات مختلف در مورد اثرات کنترل روان‌شناختی والدین بر فرزندان می‌تواند متفاوت باشد. کنترل روان‌شناختی والدین ممکن است کمتر آسیب‌رسان و حتی برای رشد فرزندان در فرهنگ‌های وابسته به یکدیگر مفید باشد (Fung & Lau, 2012)، لذا می‌تواند در فرهنگ‌های متفاوت، تأثیرات مختلفی بر فرزندان داشته باشد. این امر، اهمیت تحقیق در زمینه پیامدهای کنترل روان‌شناختی در فرهنگ‌های متعدد از جمله فرهنگ ایرانی را برجسته می‌سازد. همچنین، با توجه به موارد بیان‌شده، می‌توان بروز مشکلات اجتماعی نوجوانان را تحت تأثیر متغیرهایی مانند کنترل روان‌شناختی والدین و تنظیم هیجان دانست. بدین صورت که کنترل روان‌شناختی والدین علاوه بر اثر مستقیمی که می‌تواند بر مشکلات اجتماعی نوجوانان داشته باشد، احتمالاً با تأثیر بر متغیرهای دیگری مانند تنظیم هیجان نیز بتواند در بروز مشکلات اجتماعی در نوجوانان ایفای نقش کند. ازاین‌رو، پژوهش حاضر با هدف یافتن پاسخ این سؤال انجام شد که آیا متغیر تنظیم هیجان نقش میانجی معناداری را در رابطه‌ی بین کنترل روان‌شناختی والدین و مشکلات اجتماعی در نوجوانان ایفا می‌کند؟



نمودار ۱. مدل مفهومی پژوهش

روش

جامعه آماری، نمونه و روش اجرای پژوهش

پژوهش حاضر، یک مطالعه همبستگی و از نوع معادلات ساختاری بود که در آن به بررسی روابط بین متغیرها در قالب یک مدل علی پرداخته شده است. جامعه آماری شامل نوجوانان بود که برای این دوره، محدوده سنی ۱۳ تا ۱۸ سال در نظر گرفته شد که از این جامعه به شیوه دردسترس، نمونه‌ای به حجم ۲۱۵ نفر انتخاب شد و پرسشنامه‌های پژوهش را از طریق لینک در بستر گوگل فرم تکمیل نمودند. ملاک تعیین حجم نمونه در این پژوهش نظر متخصصان بود که حداقل نمونه ۲۰۰ نفری را برای مطالعات مدل‌یابی علی، پیشنهاد داده‌اند (Kline, 2015). جهت تجزیه‌وتحلیل داده‌ها از شاخص‌های آمار توصیفی مانند میانگین و انحراف استاندارد، ضریب همبستگی پیرسون و برای بررسی برازش مدل پژوهش از روش معادلات ساختاری استفاده شد که این تحلیل‌ها با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS 27 و LISREL 8.80 انجام پذیرفت.

ابزار سنجش

پرسش‌نامه کنترل روان‌شناختی والدین [1] ***(DAPCS):*** این پرسش‌نامه به‌منظور سنجش کنترل روان‌شناختی وابسته مدار و پیشرفت مدار نوجوانان توسط Soenens et al. (2010) تدوین شده است و دارای ۱۶ سؤال و دو مؤلفه کنترل

1 Dependency-Oriented and Achievement-Oriented Psychological Control Scale (DAPCS)

روان‌شناختی وابسته مدار و پیشرفت مدار می‌باشد. نمره‌گذاری آن بر اساس طیف لیکرت پنج‌درجه‌ای از به‌شدت مخالفم (۱) تا به‌شدت موافقم (۵) صورت می‌گیرد. اعتبار این پرسش‌نامه در پژوهش Badanfiroz et al. (2017) مناسب ارزیابی شده و ضریب پایایی (آلفای کرونباخ) محاسبه‌شده برای این پرسش‌نامه در پژوهش بادان فیروز و همکاران ۰/۸۸ برآورد شده است. در پژوهش حاضر برای این مقیاس آلفای کرونباخ ۰/۹۲ بدست آمد.

مقیاس رفتار مشکل نوجوان[1] (YSR) **:** این پرسش‌نامه توسط Achenbach (1991) تهیه شده و شامل ۱۱۳ سؤال می‌باشد که مؤلفه‌های اضطراب، افسردگی، گوشه‌گیری، شکایات جسمی، مشکلات اجتماعی، مشکلات توجه، مشکلات فکری، رفتار انضباطی و پرخاشگری را می‌سنجد. برای این مقیاس سه فرم سیاهه رفتاری (CBCL) که توسط والدین یا سرپرست تکمیل می‌شود، پرسش‌نامه خود سنجی (YSR) که توسط خود نوجوان تکمیل می‌شود و فرم گزارش معلم (TRF) وجود دارد که در پژوهش حاضر از فرم YSR که توسط خود نوجوان پاسخ داده می‌شود، استفاده شده است. در این مطالعه از خرده مقیاس مشکلات اجتماعی استفاده شد که شامل ۱۱ سؤال از مقیاس کل است و شرکت‌کنندگان باید با توجه به عملکرد ۶ ماه گذشته به آن پاسخ دهند. نمره‌گذاری آن بر اساس طیف سه‌درجه‌ای: مواردی که هرگز در رفتار فرد وجود ندارد (۰)، حالات و رفتارهایی که گاهی اوقات در فرد مشاهده شده است (۱) و مواردی که بیشتر مواقع یا همیشه در رفتار فرد وجود دارد (۲) می‌باشد. هر چه مجموع امتیازات بالاتر باشد مشکلات اجتماعی فرد بیشتر است. در تحقیق Minaee (2006) بیان شده اعتبار و روایی مطلوبی برخوردار است و با اطمینان می‌توان از آن برای سنجش اختلالات عاطفی-رفتاری کودکان و نوجوانان استفاده کرد. ضریب پایایی (آلفای کرونباخ) برای این پرسش‌نامه از پژوهشی که توسط Yazdkhasti and Oreyzi (2011) انجام شد، در سه فرم والدین، معلم و کودک به ترتیب ۰/۹۰، ۰/۹۳ و ۰/۸۲ به دست آمده است. در پژوهش حاضر برای خرده مقیاس مشکلات اجتماعی، آلفای کرونباخ ۰/۷۹ بدست آمد.

مقیاس دشواری تنظیم هیجان (DERS)[2] **:** این مقیاس فرم کوتاه شده مقیاس دشواری در تنظیم هیجان Gratz and Roemer (2004) است (DERS-16) که توسط Bjureberg et al. (2016) با هدف سنجش توانایی تنظیم هیجان طراحی شد. فرم کوتاه شده دارای ۱۶ سؤال است که شامل ۵ خرده مقیاس کمبود یا فقدان وضوح هیجانی (۲ گویه)، دشواری در درگیری در رفتارهای معطوف به هدف (۳ گویه)، دشواری در کنترل رفتار تکانشی (۳ گویه)، دسترسی محدود به راهبردهای تنظیم هیجانی مؤثر (۵ گویه) و پاسخ هیجانی پذیرفته‌نشده (۳ گویه) است. نمره‌گذاری آن بر اساس طیف لیکرت ۵ درجه‌ای از تقریباً هرگز (۱) تا تقریباً همیشه (۵) صورت می‌گیرد و نمره بالاتر در هر خرده‌مقیاس و کل مقیاس نشانه دشواری بیشتر در تنظیم هیجان است. در پژوهش Bjureberg et al. (2016) ضریب پایایی (آلفای کرونباخ) برای کل مقیاس ۰/۹۴ گزارش شد. همچنین در پژوهش Fallahi et al. (2021) ضریب پایایی (آلفای کرونباخ) برای کل مقیاس ۰/۹۱ به دست آمد. در پژوهش حاضر برای این مقیاس، آلفای کرونباخ ۰/۹۱ بدست آمد.

یافته‌ها

1 Achenbach's Youth Self-Report (YSR) scale
2 the Difficulties in Emotion Regulation Scale (DERS)

در مجموع ۲۱۵ نوجوان (۱۵۰ دختر و ۶۵ پسر) با میانگین سنی ۱۶/۱۲ سال در این پژوهش شرکت داشتند. از نظر تحصیلات، ۹۰ نفر مقطع متوسطه اول و ۱۲۵ نفر مقطع متوسطه دوم بودند. از نظر ترتیب تولد، ۱۱۰ نفر فرزند اول، ۸۰ نفر فرزند دوم، ۱۵ نفر فرزند سوم و ۱۰ نفر فرزند چهارم بودند. از نظر وضعیت زندگی، ۱۸۰ نفر با هر دو والد، ۵ نفر با پدر، ۱۵ نفر با مادر و ۱۵ نفر با خویشاوندان خود زندگی می‌کردند. از نظر طبقه اقتصادی، ۳۰ نفر طبقه اقتصادی بالا، ۱۶۰ نفر طبقه اقتصادی متوسط و ۲۵ نفر طبقه اقتصادی پایین را تشکیل می‌دادند. در جدول ۱ شاخص‌های توصیفی و در جدول ۲ ماتریس ضرایب همبستگی متغیرهای تحقیق ارائه شده است.

جدول ۱: میانگین، انحراف معیار، چولگی و کشیدگی متغیرهای تحقیق

متغیرها	میانگین	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی
کنترل روان‌شناختی وابسته مدار	۱۸/۸۸	۶/۳۵	۰/۱۶	-۰/۹۱
کنترل روان‌شناختی پیشرفت مدار	۲۰/۰۶	۷/۹۲	۰/۳۵	-۰/۷۳
نمره کل کنترل روان‌شناختی والدین	۳۸/۹۵	۱۳/۲۹	۰/۳۴	-۰/۶۹
کمبود یا فقدان وضوح هیجانی	۵/۴۸	۲/۰۵	۰/۴۹	-۰/۲۲
دشواری در درگیری در رفتارهای معطوف به هدف	۸/۹۵	۲/۵۱	۰/۱۷	-۰/۵۶
دشواری در کنترل رفتار تکانشی	۷/۹۰	۲/۷۹	۰/۴۴	-۰/۱۷
دسترسی محدود به راهبردهای تنظیم هیجانی مؤثر	۱۳/۱۸	۴/۶۸	۰/۵۰	-۰/۲۷
پاسخ هیجانی پذیرفته‌نشده	۷/۵۸	۳/۳۲	۰/۵۸	-۰/۶۰
نمره کل دشواری تنظیم هیجان	۴۳/۱۱	۱۲/۶۴	۰/۶۷	-۰/۳۲
مشکلات اجتماعی	۴/۵۸	۳/۱۷	۰/۸۵	-۰/۵۵

جدول ۲: ماتریس ضرایب همبستگی برای روابط متغیرهای تحقیق

متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
۱. نمره‌کل کنترل روانشناختی	۱									
۲. کنترل روانشناختی وابسته مدار	۰/۹۱***	۱								
۳. کنترل روانشناختی پیشرفت مدار	۰/۹۴***	۰/۷۳***	۱							
۴.نمره کل دشواری تنظیم هیجانی	۰/۳۷***	۰/۳۳***	۰/۳۶***	۱						
۵.کمبود یا فقدان وضوح هیجانی	۰/۰۷	۰/۱۰	۰/۰۵	۰/۷۰***	۱					
۶. دشواری در درگیری در رفتارهای..	۰/۴۴***	۰/۳۴***	۰/۴۷***	۰/۷۴***	۰/۲۹***	۱				
۷. دشواری در کنترل رفتار تکانشی	۰/۴۴***	۰/۳۶***	۰/۴۵***	۰/۸۲***	۰/۴۷***	۰/۶۶***	۱			
۸. دسترسی محدود به راهبرد.های...	۰/۲۵***	۰/۲۰**	۰/۲۶***	۰/۹۰***	۰/۵۶***	۰/۶۱***	۰/۶۶***	۱		
۹. پاسخ هیجانی پذیرفته‌نشده	۰/۲۹***	۰/۳۳***	۰/۲۲***	۰/۸۳***	۰/۶۵***	۰/۴۷***	۰/۵۸***	۰/۶۵***	۱	
۱۰. مشکلات اجتماعی	۰/۳۸***	۰/۳۷***	۰/۳۴***	۰/۴۹***	۰/۴۸***	۰/۲۶***	۰/۴۲***	۰/۴۶***	۰/۳۸***	۱

** P<0/01 , *** P<0/001

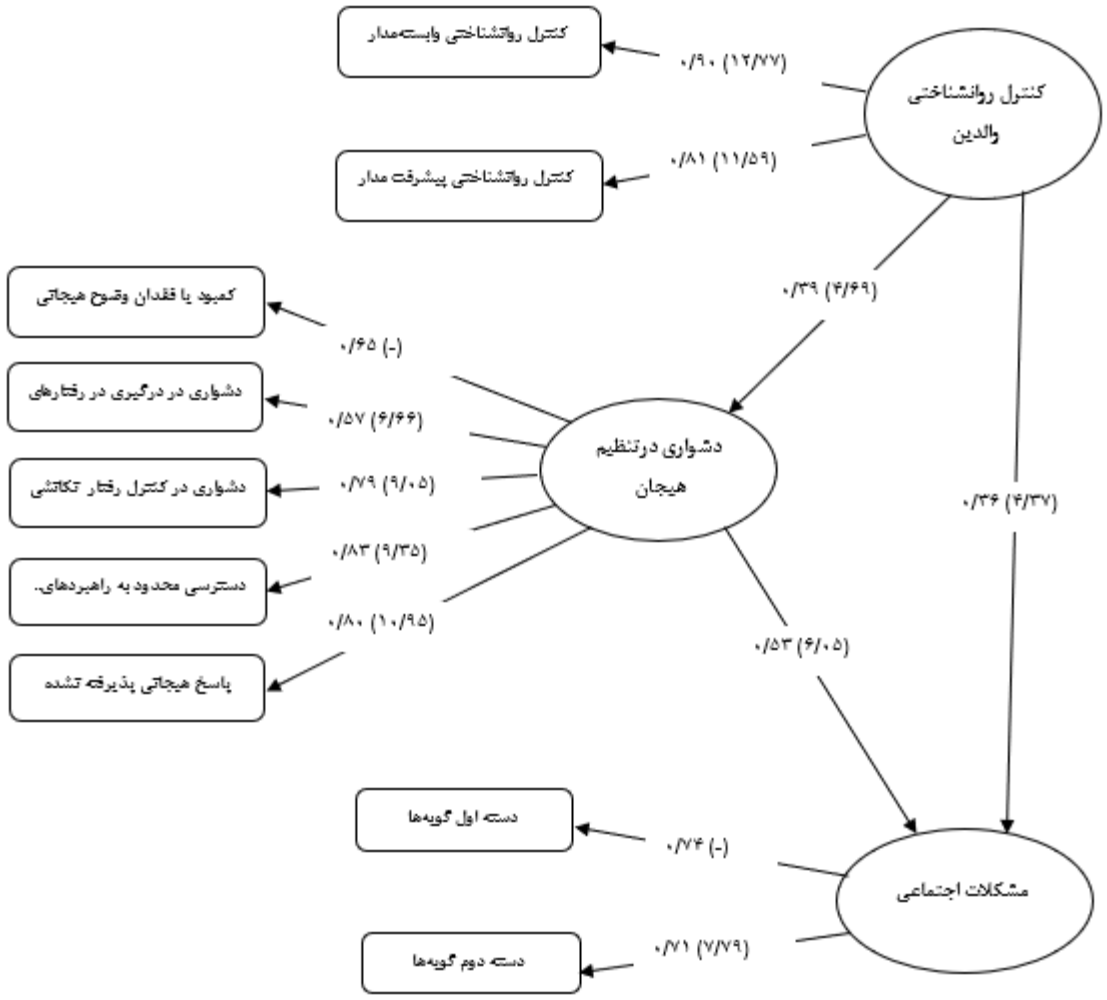
پیش از اجرای مدل پژوهش، نیاز است ابتدا پیش‌فرض‌های مهم آزمون‌های آماری مورد استفاده همچون نرمال بودن داده‌ها، عدم وجود هم‌خطی و استقلال خطاها بررسی شده و نسبت به برقراری آن‌ها اطمینان حاصل شود. بدین منظور، در بررسی مفروضه نرمال بودن داده‌ها، با توجه به قرار داشتن میزان چولگی و کشیدگی داده‌ها در بازه‌ی ۲- تا ۲+، توزیع داده‌ها نرمال است. در

راستای بررسی هم‌خطی بین متغیرهای پیش‌بین نیز ازآنجاکه مقادیر مربوط به شاخص تحمل باید بین صفر و یک باشد (مقادیر بین ۰/۳۷ تا ۰/۵۰ بود) و هیچ‌یک از مقادیر مربوط به عامل تورم واریانس بیشتر از ۱۰ نباشد (مقادیر بین ۱/۹۹ تا ۲/۶۶ بود)، بین متغیرهای پیش‌بین هم‌خطی وجود نداشته و مفروضه‌های مدل‌سازی معادلات ساختاری برقرار است. شاخص‌های برازش مدل در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول ۳: *شاخص های برازش مدل ساختاری*

شاخص‌ها	دامنه قابل قبول	ارزش
χ^2	-	۵۷/۶۲
χ^2/df	<۳	۲/۴۰
CFI	>۰/۹۰	۰/۹۴
IFI	>۰/۹۰	۰/۹۵
GFI	>۰/۹۰	۰/۹۲
RMSEA	<۰/۱	۰/۰۸۳
SRMR	<۰/۱	۰/۰۴۱

با توجه به نتایج جدول ۳، شاخص‌های برازش مدل ساختاری، برازش قابل قبول این مدل را نشان می‌دهد. شاخص‌های برازش مطلق و تطبیقی برای تعیین برازش مدل فرضی استفاده شد. شاخص‌های مطلق چگونگی برازش مدل را بدون مقایسه با مدل خط پایه که در واقع مدل استقلال است تعیین می‌کند که شامل کای اسکوئر، نسبت کای اسکوئر به درجه آزادی، RMSEA و SRMR است. شاخص‌های تطبیقی یا مقایسه‌ای برازش مدل فرضی را با مدل خط پایه مقایسه می‌کنند که CFI و IFI جز این شاخص‌ها هستند. شکل زیر مدل ساختاری پژوهش به همراه ضرایب استاندارد شده را نشان می‌دهد.



نمودار ۱. مدل نهایی تأیید شده

(ضرایب مسیر و مقادیر t- داخل پرانتز-). کلیه این ضرایب در سطح ۰/۰۵ معنادار می‌باشد.

جدول ۴: *ضرایب اثرات مستقیم و غیرمستقیم در مدل تایید شده*

اثر مستقیم	مقدار اثر	نتیجه
کنترل روانشناختی والدین بر دشواری در تنظیم هیجان	۰/۳۹	معنادار
دشواری در تنظیم هیجان بر مشکلات اجتماعی	۰/۵۳	معنادار
کنترل روانشناختی والدین بر مشکلات اجتماعی	۰/۳۶	معنادار
اثر غیرمستقیم		
کنترل روانشناختی والدین بر مشکلات اجتماعی از طریق دشواری در تنظیم هیجان	۰/۲۰	معنادار

اگر مسیری دارای قدر مطلق مقدار t بزرگ‌تر از ۱/۹۶ باشد؛ یعنی آن مسیر معنی‌دار است. بر همین اساس به بررسی هر یک از مسیرهای اثرات متغیرهای مکنون در نمودار ۱ و جدول ۴ پرداخته شده است: اثر کنترل روان‌شناختی والدین بر دشواری در تنظیم هیجان معنی‌دار است (β=۰/۳۹،t= ۴/۶۹). اثر دشواری در تنظیم هیجان بر مشکلات اجتماعی معنی‌دار است (t= ۶/۰۵ ،β=۰/۵۳). اثر مستقیم کنترل روان‌شناختی والدین بر مشکلات اجتماعی معنی‌دار است (β=۰/۳۶،t= ۴/۳۷). همچنین، میزان اثر

غیرمستقیم کنترل روان‌شناختی والدین بر مشکلات اجتماعی ۰/۲۰ = (۰/۵۳) × (۰/۳۹) است که بر اساس آزمون سوبل میزان آماره Z مربوط به آن محاسبه شد.

$$Z = \frac{a \times b}{\sqrt{(b^2 \times S_a^2) + (a^2 \times S_b^2) + (S_a^2 \times S_b^2)}} = \frac{۰/۲۰}{۰/۰۳} = ۶/۶۶$$

a: ضریب مسیر از متغیر مستقل به میانجی (۰/۳۹)

b: ضریب مسیر از متغیر میانجی به وابسته (۰/۵۲)

S_a: خطای استاندارد از متغیر مستقل به میانجی (۰/۰۸)

S_b: خطای استاندارد از متغیر میانجی به وابسته (۰/۰۸)

با توجه به اینکه مقدار Z به‌دست‌آمده از ۱/۹۶ بیشتر است، می‌توان گفت با اطمینان ۹۵ درصد، اثر غیرمستقیم متغیر کنترل روان‌شناختی والدین بر متغیر مشکلات اجتماعی از طریق دشواری در تنظیم هیجان معنی‌دار است و به عبارتی دشواری در تنظیم هیجان نقش میانجی‌گرایانه‌ی معناداری برای رابطه این دو متغیر داشته است.

بحث

پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش واسطه‌ای تنظیم هیجان در رابطه کنترل روان‌شناختی والدین و مشکلات اجتماعی نوجوانان انجام‌شده است. یافته‌ها نشان دادند که دشواری در تنظیم هیجان نقش واسطه‌ای معناداری را در رابطه‌ی کنترل روان‌شناختی والدین و مشکلات اجتماعی نوجوانان ایفا می‌کند. این یافته به این معناست که نوجوانانی که سطوح بالای کنترل روان‌شناختی را از سوی والدین خود تجربه می‌کنند، در تنظیم هیجان ناکارآمدتر عمل کرده و درنتیجه آن، مشکلات اجتماعی بیشتری را تجربه می‌کنند.

والدینی که از کنترل روان‌شناختی در ارتباط با فرزندانشان استفاده می‌کنند، با مشروط کردن عشق و پذیرش خود به انجام رفتارهای خاصی توسط فرزندشان، درواقع، او را مورد دست‌کاری هیجانی قرار می‌دهند (Morris et al., 2002; Scharf & Goldner, 2018). چنین والدینی، با ایجاد جوی منفی در خانواده که اجبار بر آن حکم فرماست، فردیت فرزندان معتبر شمرده نمی‌شود، نیازهای فرزندان برای استقلال و خودمختاری در آن نادیده گرفته می‌شود (Barber et al., 2012; Soenens & Vansteenkiste, 2010)، می‌توانند تأثیر مخربی بر تنظیم هیجان فرزندانشان داشته باشند. کنترل روان‌شناختی والدین، ممکن است از چند طریق بر تنظیم هیجانی نوجوانان تأثیر بگذارد. از یک سو، والدین کنترل‌گر با توسل به روش‌های فعالانه مانند اجبار یا پرخاشگری یا با روش‌های منفعلانه‌تری مانند القای احساس گناه، اجازه بیان خواسته‌ها و ابراز هیجان را به فرزندشان نمی‌دهند و انتظار دارند فرزندشان تنها در جهت هیجانات و خواسته‌های آن‌ها عمل کند. این والدین هیجانات فرزندشان را بی‌اعتبار می‌کنند، او را بابت داشتن و ابراز چنین هیجاناتی سرزنش کرده، به او احساس شرم و گناه می‌دهند و او را تحت فشار قرار می‌دهند تا هیجانات و افکارش را تغییر دهد. نوجوانانی که چنین فرزندپروری را از سوی والدین خود تجربه کرده‌اند، ممکن است به دلیل وابستگی بیش‌ازحد، اولویت دادن به خواسته‌های والدین و نادیده گرفتن نیاز خود به استقلال و خودمختاری و همچنین، فرار از تجربه هیجانات منفی، به دلیل شرمی که والدین هنگام تجربه این هیجانات به آن‌ها داده‌اند، هیجانات منفی خود را سرکوب کرده و نادیده بگیرند. این امر می‌تواند منجر به این شود که بازداری هیجانی، تبدیل به الگوی پایدار تنظیم هیجان نوجوان شود (Qian et al., 2022). از سوی دیگر، چنین والدینی مربی و الگوی خوبی برای آموزش شیوه‌های مؤثر تنظیم هیجان به فرزندشان نیستند. آن‌ها که معمولاً خود با مشکلاتی در تنظیم هیجان درگیر هستند، ممکن است برای اعمال کنترل روان‌شناختی از روش‌های

ناکارآمد ابراز هیجان، مانند پرخاشگری فیزیکی یا کلامی استفاده کنند. نوجوان ممکن است با الگوبرداری از والدین، این راهبردها را به‌عنوان روش‌های معمول و درست تنظیم هیجان در نظر گرفته و خود نیز از همین راهبردها در روابطش استفاده کند. این والدین، معمولاً در آموزش نحوه ابراز هیجانات مثبت نیز الگوی مناسبی برای فرزندانشان نیستند (Declaire et al., 1998; Snyder et al., 2013). درنتیجه، نوجوانانی که در چنین خانواده‌هایی پرورش‌یافته‌اند، در ابراز هیجانات مثبت خود نیز توانمند نخواهند بود. وجود این بدتنظیمی‌های هیجانی در نوجوانان، که ناشی از تجربه یک فرزندپروری کنترل‌گرایانه است، می‌تواند زمینه‌ساز ایجاد مشکلات اجتماعی در آن‌ها شود. این نوجوانان ممکن است به دلیل تجربه معتبر شمرده نشدن، پذیرفته نشدن و عدم درک هیجاناتشان توسط نزدیک‌ترین افراد زندگی‌شان، یعنی والدین، احساس تنهایی کنند. آن‌ها از تجربه پذیرفته شدن، صمیمیت و درک شدن ناامید هستند و درنتیجه‌ی چنین احساساتی، ممکن است از برقراری ارتباط در جامعه اجتناب کنند و کناره‌گیری اجتماعی را انتخاب کنند. همچنین، ممکن است به دلیل بازداری هیجانی شدید و ناتوانی در ابراز خواسته‌ها و هیجاناتشان، در روابطشان مورد سوءاستفاده و سلطه دیگران قرار گیرند. علاوه بر این، به این دلیل که والدین این نوجوانان، الگوی خوبی برای تنظیم هیجان نبوده‌اند، ممکن است هنگام تجربه هیجانات منفی مانند خشم، به‌جای روش‌های جرأتمندانه، از رفتارهای پرخاشگرانه مانند پرخاشگری فیزیکی یا کلامی که از والدین آموخته‌اند، استفاده کنند که استفاده از این روش‌ها، می‌تواند مسائل اجتماعی جدی را برایشان همراه داشته باشد.

یافته‌ی دیگر این پژوهش نشان داد بین کنترل روان‌شناختی والدین و هر دو مؤلفه آن (کنترل روان‌شناختی وابسته مدار و پیشرفت مدار) با متغیر دشواری در تنظیم هیجان و هر پنج مؤلفه آن (کمبود یا فقدان وضوح هیجانی، دشواری در درگیری در رفتارهای معطوف به هدف، دشواری در کنترل رفتار تکانشی، دسترسی محدود به راهبردهای تنظیم هیجانی مؤثر و پاسخ هیجانی پذیرفته‌نشده)، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. این یافته‌ها هم‌راستا با نتایج مطالعات Heidari et al. (2022)، Kohansal Nalkiashari et al. (2022)، Qian et al. (2022) و Goger et al. (2020) که نشان داده‌اند هنگامی‌که سطح کنترل روانشناختی والدین افزایش می‌یابد، تجربه هیجانی منفی فرزندان نیز افزایش می‌یابد و همچنین همسو با یافته‌های Cui et al. (2014) و Goger et al. (2020) است که به ترتیب نشان داده‌اند کنترل روان‌شناختی والدین به‌طور منفی عملکرد تنظیم هیجان نوجوانان را پیش‌بینی می‌کند و هرچه کنترل روان‌شناختی والدین بیشتر باشد، توانایی تنظیم هیجانی کمتر خواهد بود. این یافته را می‌توان این‌گونه تبیین کرد که والدین با سطوح بالایی از کنترل روان‌شناختی، اغلب زمانی که فرزندانشان انتظارات آن‌ها را برآورده نمی‌کنند، احساس ناامیدی کرده و معمولاً با ایجاد احساس گناه در فرزندان خود، ابراز ناامیدی یا بی‌توجهی به آن‌ها و یا حتی تحقیر، فرزندان خود را سرزنش می‌کنند، که این کار منجر به تجربه هیجانات منفی در کودکان می‌شود (Yan et al., 2020). با گذشت زمان، این افراد احساس درماندگی نموده که این امر مانع شناخت و رشد عاطفی آن‌ها می‌شود و منجر به استفاده بیشتر از راهبردهای تنظیم هیجان منفی مانند مهار بیان هیجان و استفاده کمتر از راهبردهای تنظیم هیجان مثبت مانند ارزیابی مجدد شناختی می‌شود (Qian et al., 2022).

نتایج مطالعه همچنین نشان داد دشواری در تنظیم هیجان و هر پنج مؤلفه آن با مشکلات اجتماعی رابطه مثبت و معناداری دارند. این یافته‌ها با نتایج برخی از پژوهش‌های پیشین ازجمله Pourmohseni Koluri et al. (2015)، Meng et al. (2020) و Njardvik et al. (2022) همسو می‌باشد. در تبیین این یافته می‌توان گفت هر چه نوجوانان از مهارت‌های تنظیم هیجان بالاتری برخوردار باشند می‌توانند در موقعیت‌های مختلف و چالش‌برانگیزی که با آن‌ها مواجه می‌شوند، بهتر تصمیم‌گیری کنند و کمتر دچار مشکلات اجتماعی شوند. به‌عنوان‌مثال، پژوهش‌هایی در ادبیات به چشم می‌خورند که نشان داده‌اند سطح پایین تنظیم هیجان می‌تواند نوجوان را در مقابل درگیر شدن در مسائل اجتماعی مانند شروع مصرف مواد، آسیب‌پذیر کند. در مقابل، افرادی که تنظیم هیجانی بالایی از خود نشان می‌دهند، هیجان‌های خود را بهتر مهار می‌کنند، با احتمال بیشتری در برابر فشار همسالان مقاومت کرده و درنتیجه در برابر مصرف مواد مقاومت بیشتری نشان می‌دهند (Zahed et al., 2009). Fuster et al. (2009) نیز در

پژوهش‌های خود دریافتند، کسانی که در مدیریت خشم خود موفق‌تر از سایرین بودند و زمان طولانی‌تری خشم خود را کنترل می‌کردند، از کارکرد اجرایی بالاتری برخوردار بودند؛ که این به‌نوبه خود می‌تواند باعث جلوگیری از مشکلات اجتماعی شود.

درنهایت نیز نتایج نشان داد کنترل روان‌شناختی والدین و هر دو مؤلفه آن یعنی کنترل روان‌شناختی وابسته مدار و پیشرفت مدار با مشکلات اجتماعی نوجوانان رابطه مثبت و معناداری دارند. این نتایج، با نتایج Eghdami and Fouladchang (2022)، Mahdian and Sheikholesl (2022)، Yosefi et al. (2022)، Chyung et al. (2022) و Yan et al. (2020) همسو می‌باشد. با توجه به این نتایج می‌توان گفت نوجوانانی که سطوح بالاتر کنترل روان‌شناختی والدین را تجربه می‌کنند، خودمختاری و استقلال کمتری دارند و همین امر می‌تواند مشکلات اجتماعی بیشتری را برای آن‌ها رقم بزند. به‌عنوان‌مثال، نشان داده شده است که کنترل روان‌شناختی والدین، به دلیل محدود کردن تعاملات اجتماعی خارج از خانواده و با گروه همسالان، با اضطراب اجتماعی در نوجوانان همبستگی مثبت دارد (Qian et al., 2022). Shek (2006) نیز در پژوهش خود نشان داده است که سطوح بالاتر کنترل روان‌شناختی والدین با سطح نسبتاً پایین‌تری از اعتماد و تمایل به برقراری ارتباط با والدین، که به‌نوبه خود خطر بروز رفتار پرخاشگرانه با دیگران را افزایش می‌دهد و بر تعاملات اجتماعی با دیگران تأثیر می‌گذارد، منجر به مشکلات اجتماعی می‌شود. مطالعات انجام شده، همچنین نشان می‌دهند که نوجوانانی که والدینشان با آن‌ها ارتباط صمیمی و مثبتی برقرار کرده‌اند و به آن‌ها استقلال و آزادی متناسب با سن‌شان را می‌دهند، کمتر درگیر مشکلات رفتاری می‌شوند (Zargar et al., 2012). مطالعاتی نیز انجام‌شده‌اند که نشان داده‌اند که تأثیر کنترل روان‌شناختی والدین می‌تواند وابسته به فرهنگ باشد. به این صورت که این کنترل ممکن است در فرهنگ‌های وابسته و جمع‌گرا، کمتر آسیب‌رسان و حتی برای رشد فرزندان مفید باشد (Fung & Lau, 2012).

از محدودیت‌های پژوهش حاضر می‌توان گفت ازآنجایی‌که جمع‌آوری داده‌ها بر اساس مقیاس‌های خود گزارش‌دهی انجام شده است، پس ممکن است نتایج مستعد تحریف باشند. علاوه بر این، مطالعه بر روی نمونه‌ای محدود از نوجوانان در یک منطقه جغرافیایی مشخص (شهر مشهد) صورت گرفته است، بنابراین در تعمیم نتایج باید محتاط بود. در نهایت نیز می‌توان گفت تمایل کم به مشارکت و جلب رضایت نوجوانان برای همکاری با توجه به اینکه گروه سنی خاصی هستند، دشوار بود و یکی دیگر از محدودیت‌های پژوهش بود. با توجه اهمیت متغیر تنظیم هیجان در روند رشد نوجوانان و اینکه در پژوهش حاضر نشان داده شد نقص در تنظیم هیجان می‌تواند باعث به وجود آمدن رفتارهای مشکل‌ساز ازجمله مشکلات اجتماعی در نوجوانان شود، پیشنهاد می‌شود در فضاهایی که با نوجوانان سروکار دارند مانند مدارس، دانشگاه‌ها و آموزشگاه‌های مختص نوجوانان، آموزش مهارت‌های تنظیم هیجان در اولویت قرار گیرد. همچنین، پیشنهاد می‌شود روان‌شناسان و مشاوران در حوزه نوجوان نیز به مداخلات مبتنی بر تنظیم هیجان توجه بیشتری داشته باشند.

تشکر و سپاسگزاری

پژوهشگران بر خود لازم می‌دانند که از تمامی شرکت‌کنندگان جهت شرکت در پژوهش تشکر و قدردانی نمایند.

تعارض منافع

در مقاله حاضر هیچ‌گونه تعارض منافعی وجود ندارد.

References

Achenbach, T. M. (1991). Manual for the child behaviour check-list/4-18 and 1991 profile. *(No Title)*. https://cir.nii.ac.jp/crid/1370004237624813324

Badanfiroz, A., Tabatabaee, S., & Najee, A. A. (2017). An investigation of the psychometric characteristics of persian version of the dependency-oriented and achievement-oriented psychological control Scale in high school students. *Journal of School Psychology*, *6*(3), 7-22. https://doi.org/10.22098/jsp.2017.582. [In Persian]

Barber, B. K. (1996). Parental psychological control: Revisiting a neglected construct. *Child development*, *67*(6), 3296-3319. https://doi.org/10.1111/j.1467-8624.1996.tb01915.x

Barber, B. K., Xia, M., Olsen, J. A., McNeely, C. A., & Bose, K. (2012). Feeling disrespected by parents: Refining the measurement and understanding of psychological control. Journal of Adolescence, 35(2), 273–287. https://doi.org/10.1016/J.ADOLESCENCE.2011.10.010

Bjureberg, J., Ljótsson, B., Tull, M. T., Hedman, E., Sahlin, H., Lundh, L. G., ... & Gratz, K. L. (2016). Development and validation of a brief version of the difficulties in emotion regulation scale: the DERS-16. *Journal of psychopathology and behavioral assessment*, *38*, 284-296. https://doi.org/10.1007/s10862-015-9514-x

Chyung, Y. J., Lee, Y. A., Ahn, S. J., & Bang, H. S. (2022). Associations of perceived parental psychological control with depression, anxiety in children and adolescents: A meta-analysis. *Marriage & Family Review*, 58(2), 158-197. https://doi.org/10.1080/01494929.2021.1941496

Cui, L., Morris, A. S., Criss, M. M., Houltberg, B. J., & Silk, J. S. (2014). Parental psychological control and adolescent adjustment: The role of adolescent emotion regulation. *Parenting*, 14(1), 47-67. https://doi.org/10.1080/15295192.2014.880018

Dahl, R. E. (2004). Adolescent brain development: a period of vulnerabilities and opportunities. Keynote address. *Annals of the New York Academy of Sciences*, *1021*(1), 1-22. https://doi.org/10.1196/annals.1308.001

Declaire, J., Gottman, J., & Goleman, D. (1998). Raising an emotionally intelligent child.

Deng S, Liu S, Zheng R. (2001). The relation between parenting and adolescent problem behaviors. *Psychol Dev Educ*. 2, 50–4. https://doi.org/10.1097/00004703-200412000-00004

Doornwaard, S. M., Branje, S., Meeus, W. H., & ter Bogt, T. F. (2012). Development of adolescents' peer crowd identification in relation to changes in problem behaviors. *Developmental Psychology*, *48*(5), 1366. https://doi.org/10.1037/a0026994

Eghdami, Z., & Fouladchang, M. (2022). Predicting Suicidal Thoughts Based on Parental Psychological Control: The Mediating role of Mindfulness. *Journal of Psychology*, *26*(1), 1-11. https://doi.org/20.1001.1.18808436.1401.26.1.11.8. [In Persian]

Eisenberg, N., Fabes, R.A., & Losoya, S. (1997). *Emotion development responding: regulation, social correlations, and socialization*. In: Salovery P, Sluyter DJ editors. Emotion Development and Emotional: Intelligence Educational Implication. New York, NY: Basicbooks Inc. p. 129–63.

Fallahi, V., Narimani, M., & Atadokht, A. (2021). Psychometric Properties of the Difficulties in Emotion Regulation Scale Brief Form (Ders-16): in Group of Iranian Adolescents. *JSSU*, *29*(5), 3721-3735. https://doi.org/10.18502/ssu.v29i5.6772. [In Persian]

Fung, J., & Lau, A. S. (2012). Tough love or hostile domination? Psychological control and relational induction in cultural context. *Journal of Family Psychology*, *26*(6), 966. https://doi.org/10.1037/a0030457

Fuster, D., Scholar, M., & Tan, P. Z. (2009). The relation between executive functioning and emotion regulation in young children. *The Penn State McNair Journal*, *15*, 35-53.

Goger, P., Rozenman, M., & Gonzalez, A. (2020). The association between current maternal psychological control, anxiety symptoms, and emotional regulatory processes in emerging adults. *Journal of behavior therapy and experimental psychiatry*, *68*, 101563. https://doi.org/10.1016/j.jbtep.2020.101563

Gong, X., & Wang, C. (2021). Interactive effects of parental psychological control and autonomy support on emerging adults' emotion regulation and self-esteem. *Current Psychology*, 1-10. https://doi.org/10.1007/s12144-021-01483-3

Gratz, K. L., & Roemer, L. (2004). Multidimensional assessment of emotion regulation and dysregulation: Development, factor structure, and initial validation of the difficulties in emotion regulation scale. *Journal of psychopathology and behavioral assessment*, *26*, 41-54. http://dx.doi.org/10.1007/s10862-008-9102-4

Gratz, K. L., & Tull, M. T. (2010). Emotion regulation as a mechanism of change in acceptance- and mindfulness-based treatments. In R. A. Baer (Ed.), Assessing mindfulness and acceptance: Illuminating the processes of change (pp. 107–134). Oakland, CA: New Harbinger Publications.

Heidari, M., Moheb, N., Vahedi, S., & Alivandi Vafa, M. (2022). Investigate the structural model of the relationship between parental psychological control and general self-efficacy with adolescents' high-risk behaviors mediated by emotional self-regulation. *Journal of Psychological Science*. *21*(115), 1463-1484. https://doi.org/10.52547/JPS.21.114.1063. [In Persian]

Hsiung, H., Patel, K., Hundal, H., Baccouche, B. M., & Tsao, K. W. (2022). Preventing substance abuse in adolescents: A review of high-impact strategies. Cureus, 14(7). https://doi.org/10.7759/cureus.27361

Izard, C. E., & Ackerman, B. P. (2000). Motivational, organizational, and regulatory functions of discrete emotions. In M. Lewis, & J. M. Haviland-Jones (Eds.), Handbook of emotions (2nd ed., pp. 253– 264). New York: Guilford Press.

Jessor, R. (2001). *Problem-behavior theory*. In: Raithel J editor. Risikoverhaltensweisen Jugendlicher. Wiesbaden: VS: Verlag für Sozialwissenschaften. p. 61–78. https://link.springer.com/chapter/10.1007/978-3-663-11310-2_3

Jessor, R., Turbin, M. S., Costa, F. M., Dong, Q., Zhang, H., & Wang, C. (2003). Adolescent problem behavior in China and the United States: A cross-national study of psychosocial protective factors. *Journal of Research on adolescence*, *13*(3), 329-360. https://doi.org/10.1111/1532-7795.1303004

Jin X, Xiao J, & Cui L. (2013). The relationship among cognitive strategies, explicit self-esteem, personality traits and social anxiety of emotion regulation in college students. *Chin J Health Psychol.* 21, 609–12.

Kerry, M., & Elizabeth, S. (2020). Chapter 2. Current research on sexual health and teenagers. In: Mckellar K, Sillence E editors. Teenagers, Sexual Health Information and the Digital Age. Cambridge, MA: Academic Press. p. 5–23. https://doi.org/10.3389/fpsyt.2022.995211

Kline, R.B. (2015). Principles And practice of structural equation modeling. 4th Ed. New York: Guilford.

Kohansal Nalkiashari, S., Asadi Mujara, S., & Akbari, B. (2022). Presenting a structural model of the relationship between perceived parenting styles and high-risk behaviors through mediation of resilience a nd emotion regulation in adolescents. *Psychological Models and Methods*, *13*(47), 101-116. doi: 10.30495/jpmm.2022.28995.3493. [In Persian]

Lansford, J. E., Dodge, K. A., Pettit, G. S., & Bates, J. E. (2016). A public health perspective on school dropout and adult outcomes: A prospective study of risk and protective factors from age 5 to 27 years. *Journal of adolescent health*, *58*(6), 652-658. https://doi.org/10.1016/j.jadohealth.2016.01.014

Lin C, Yang Z, Huang X (Eds). (2004). The Comprehensive Dictionary of Psychology. Shanghai: Shanghai Education Publishing House. 1317 p.

Lutz, J., Gross, R. T., & Vargovich, A. M. (2018). Difficulties in emotion regulation and chronic pain-related disability and opioid misuse. *Addictive behaviors*, *87*, 200-205. http://dx.doi.org/10.1016/j.addbeh.2018.07.018

Mahdian, M., & Sheikholeslami, R. (2022). Parental Psychological Control and Children's Pro-social Behavior: A Mediating Role of Gratitude a Moral Emotion. *Social Psychology Research*, *12*(47), 33-55. doi: 10.22034/spr.2022.330384.1748. [In Persian]

Meng, K., Yuan, Y., Wang, Y., Liang, J., Wang, L., Shen, J., & Wang, Y. (2020). Effects of parental empathy and emotion regulation on social competence and emotional/behavioral problems of school-age children. *Pediatric investigation*, *4*(02), 91-98. https://doi.org/10.1002/ped4.12197

Minaee, A. (2006). Adaptation and standardization of Child Behavior Checklist, Youth Self-report, and Teacher's Report Forms. *Journal of Exceptional Children, 6* (1), 529-558. http://joec.ir/article-1-416-fa.html. [In Persian]

Morris, A. S., Steinberg, L., Sessa, F. M., Avenevoli, S., Silk, J. S., & Essex, M. J. (2002). Measuring children's perceptions of psychological control: Developmental and conceptual considerations. In B. K. Barber (Ed.), Intrusive parenting: How psychological control affects children and adolescents (pp. 125–159). Washington, DC: American Psychological Association. doi:10.1037/10422-005

Njardvik, U., Smaradottir, H., & Öst, L. G. (2022). The Effects of Emotion Regulation Treatment on Disruptive Behavior Problems in Children: A Randomized Controlled Trial. *Research on child and adolescent psychopathology*, *50*(7), 895-905. https://doi.org/10.1007/s10802-022-00903-7

Olivier, E., Archambault, I., & Dupéré, V. (2020). Do needs for competence and relatedness mediate the risk of low engagement of students with behavior and social problem profiles? Learning and individual differences, 78, 101842. https://doi.org/10.1016/j.lindif.2020.101842

Pourmohseni Koluri, F., Irani Kolur, S. A., & Tehranizade, M. (2015). The Role of Attachment Styles and Emotion Regulation Strategies in prediction of Emotional-Behavioral Problems in Foster Care and non-Foster Care Adolescents. *Journal of Family Research*, *11*(4), 491-512. https://jfr.sbu.ac.ir/article_96784.html?lang=fa. [In Persian]

Qian, G., Wu, Y., Wang, W., Li, L., Hu, X., Li, R., ... & Dou, G. (2022). Parental psychological control and adolescent social problems: The mediating effect of emotion regulation. *Frontiers in Psychiatry*, 13. https://doi.org/10.3389/fpsyt.2022.995211

Safdar, F., & Khan, N. (2019). Parental psychological control and aggression among adolescents: mediating role of emotional dysregulation. *Pakistan Journal of Psychological Research*, *34*(3), 547-564. https://doi.org/10.33824/PJPR.2019.34.3.30

Scharf, M., & Goldner, L. (2018). "If you really love me, you will do/be…": Parental psychological control and its implications for children's adjustment. *Developmental Review*, 49, 16–30. https://doi.org/10.1016/j.dr.2018.07.002

Shek, D. T. (2006). Perceived parent-child relational qualities and parental behavioral and psychological control in Chinese adolescents in Hong Kong. *Adolescence*, *41*(163), 563. https://doi.org/17225668

Snyder, J., Low, S., Bullard, L., Schrepferman, L., Wachlarowicz, M., Marvin, C., & Reed, A. (2013). Effective parenting practices: Social interaction learning theory and the role of emotion coaching and mindfulness. https://psycnet.apa.org/doi/10.1037/13948-009

Soenens, B., & Vansteenkiste, M. (2010). A theoretical upgrade of the concept of parental psychological control: Proposing new insights on the basis of self-determination theory. Developmental Review, 30, 74–99. doi:10.1016/j.dr.2009.11.001

Soenens, B., Vansteenkiste, M., & Luyten, P. (2010). Toward a domain-specific approach to the study of parental psychological control: Distinguishing between dependency-oriented and achievement-oriented psychological control. Journal of Personality, 78(1), 217–256. https://doi.org/10.1111/j.1467-6494.2009.00614.x

Symeou, M., & Georgiou, S. (2017). Externalizing and internalizing behaviours in adolescence, and the importance of parental behavioural and psychological control practices. *Journal of adolescence*, *60*, 104-113. https://doi.org/10.1016/j.adolescence.2017.07.007

Thompson, R. A. (1994). Emotion regulation: A theme in search of definition. In N. A. Fox (Eds.), The development of emotion regulation: Biological and behavioral considerations. Monographs of the society for research in child development (Vol. 59, Serial No. 240, pp. 25-52). http://dx.doi.org/10.1111/j.1540-5834.1994.tb01276.x

Vasconcelos , P., Oliveira, C., & Nobre, P. (2020). Self-Compassion, Emotion Regulation, and Female Sexual Pain: A Comparative Exploratory Analysis. *The journal of sexual medicine*, *17*(2), 289–299. https://doi.org/10.1016/j.jsxm.2019.11.266

Wijaya, A., & Kusmawati, A. (2023). Psikososial Remaja di Sekolah Menengah Kejuruan Kota Depok. *Nuansa*, *16*(2). http://dx.doi.org/10.29300/nuansa.v16i2.3714

Yan, F., Zhang, Q., Ran, G., Li, S., & Niu, X. (2020) Relationship between parental psychological control and problem behaviours in youths: a three-level meta analysis. *Child Youth Serv Rev*. 112:104900. https://doi.org/10.1016/j.childyouth.2020.104900

Yazdkhasti, F., & Oreyzi, H. (2011). Standardization of Child, Parent and Teacher's Forms of Child Behavior Checklist in the City of Isfahan. *Iranian Journal of Psychiatry and Clinical Psychology, 17* (1) :60-70. http://ijpcp.iums.ac.ir/article-1-1318-fa.html. [In Persian]

Yosefi, S. Z., Heidari, S., & Hassanzadeh, R. (2022). Investigating the Relation between Life Skills and Parents 'Psychological Control with Children's Academic Anxiety. *Razi Journal of Medical Sciences, 28* (12) :97-105. http://rjms.iums.ac.ir/article-1-6769-fa.html. [In Persian]

Yu, J., Cheah, C. S., Hart, C. H., Sun, S., & Olsen, J. A. (2015). Confirming the multidimensionality of psychologically controlling parenting among Chinese-American mothers: Love withdrawal, guilt induction, and shaming. *International Journal of Behavioral Development*, *39*(3), 285-292. https://doi.org/10.1177/0165025414562238

Zahed, A., Ghalilo, K., Abolghasemi, A., & Narimani, M. (2009). The Relationship between Emotion Regulation Strategies and Interpersonal Behavior among Substance Abusers. Research on Addiction, 3 (11), 99-114.
http://etiadpajohi.ir/article-1-422-fa.html. [In Persian]

Zargar, Y. , Mohammadi Bahramabadi, R. and Bassak Nagad, S. (2012). A study of family processes as predictors of behavior problems among second grade high school students in Yasuoj. *Journal of School Psychology*, *1*(2), 77-103. doi: d_1_2_91_5_15_5 [In Persian]

Zhang, G., & Dong, Q. (2011). The comprehensive theoretical model of problem behavior and a review of relevant researches. *Chinese Journal of Special Education*, *6*, 94-6. https://doi.org/10.3969/j.issn.1007-3728.2011.06.0

©The Author(s). Published by Family Psychology Association of Iran
This article is an open access article licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0)